



چه زمانی به آرمان شهر مطلوبمان می‌رسیم؟

حیدر رحیم پورازغدی

کاهلی غذایی گردنیارده باشد. فرق آرمان شهر با دیگر شهرها به این است که حاکمان آرمان شهر نه تنها مانع کار خیر و رشد تو نمی شوند بلکه تورا در خیر یاری می کنند و مانع رفتار اهل شر هستند. ولی این چنین نیست که در آرمان شهر، نظام طبیعی در هم ریزد. زیرا اگر تو جو بکاری، گندم درو نمی شود. تو بخواهی و سفره پر رحمتی گسترده باشد؟! به یقین چنین تصویری، غیر اسلامی کارشان را به ما بیخشانند؟! به یقین چنین تصویری، غیر انسانی و غیر عقلی و غیر علمی و غیر تجربی است. زیرا نظام طبیعت را آفریدگاری است و از هر آفریده ای پیمان گرفته است که به اقتضای ساختار، به وظیفه خود پیردازد. آن چنان که اگر شمشیر در کف علی (ع) باشد پای تجاوز عمر و بن عبدود را قطع می کند و اگر به جنگ ابن ملجم افتد فرق علی (ع) امام عدل را می شکافد و چنین نظامی تا دوران حکومت حضرت مهدی (ارواحنا فدا) یا برجاست به همین دلیل است که مدیران آرمان شهر، موظف اند فضایی را ایجاد کنند که در آن فضا، دست بدکاران بسته و دست نیکوکاران تا جایی گشاده باشد که بتوانند به مسابقه در خیرات بپردازند؛ «فاستبقوا فی الخیرات». اما این که تصور کنیم در آرمان شهر، علت ها از معلول ها و سبب ها از مسبب ها جداست، غلط است و بر خلاف نظام طبیعتی است که آفریدگار آفریده است. زیرا در هر کجا و با هر عقیده ای که جو بکاری جو درو می کنی

نخلستان های بسیاری آباد شد. لیکن به خاطر نیاریدن ولی بر مزرعه نبی کشتزار نبی، آن چنان شد که هنوز بیش از ۳ دهه از رحلت پیامبر (ص) نگذشته بود که صحابه ای توانست با بیرون کشیدن انگشتی از انگشت، برای همیشه آیین خلافت را برچیند و دیگری با به انگشت کشیدن انگشتی برای همیشه بساط سلطنت را پایه ریزی کند و به جای خلفای راشدین که هنوز هم گونه حکومت شان بی نظیر و زبانزد است، اعرابی را بنشانند که قرآن آنان را «اشد کفرا و نفاقا» می شناساند و نمونه کامل و وارثان حقیقی امروز شان پادشاه عربستان و قطر است. می خواستم با مقایسه ۲ گونه حکومت (در ایران و در کشورهای مانند عربستان و قطر) و هر دو هم به نام حکومت اسلامی، به بیان ارزش های حکومتی که بر پایه بنیان غدیر بنا شده است، اشاره کنم. تا دریابید به آرمان شهر خود رسیده اید و یا خبر نیستید و اگر به آرمان شهرتان نرسیده اید، دلیلش این است که انسانی تا دست خود را به سوی سفره پهن شده دراز نکند و لقمه بر ندارد به همان گرسنگی مبتلا می شود که دسترسی به غذا نداشته باشد؛ یا سلطان جائری نگذارد که لقمه بردار دیا خود به

این پرسش برخی از جوانان یاور انقلاب می باشد و پاسخ این است که رسیده ایم، نه امروز یا دیروز بلکه از لحظه ای که رژیم استبدادی شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را از تخت سلطه به زیر کشیدیم و حکومت اسلام را برگزیدیم. بنابراین آرزوی امروز ما، شباهت بسیاری به آرزوی آن سی مرغی دارد که نمی دانستند سیمرغ خودشان هستند و از پی سیمرغ خیالی به سوی کوه قاف خیالی پرواز می کردند. دلیل ادعا هم روشن است، زیرا از صدر اسلام تا سال ۱۳۵۷ در هیچ کجای تاریخ دیده نشده که ملتی برای تمدن خود، ساختاری را به گونه ای که پروردگار به پیامبر (ص) خود ابلاغ کرده است، برگزیند و این ایرانیان بودند که برای اولین بار چنین ساختاری را برگزیدند. پروردگار، در روزهای پایانی عمر فرستاده خود در کتاب مبین می فرماید که ای فرستاده ما به امت خود ابلاغ کن که اگر می خواهید دین تان به کمال خود برسد و کافران از نفوذ در اسلام مأیوس شوند، آگاه ترین و پارساترین دین شناس امت را به امیر المومنینی خود برگزینید.

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغُوا مَا أَنزَلَ إِلَيْكُم مِّنَ الذِّكْرِ»
«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

و پیامبر (ص) برای این که دین به کمال خود برسد، در غدیر خم، دست علی (ع) را بر گرفت و فرمود جانشین من و مولای آینده مومنان و ولی پس از نبی و باران رحمتی که پس از من، بتواند مزرعه نبی را آباد کند و به ثمر بنشانند، علی (ع) است و حضرتش مصداق روز ولایت بود و به همین دلیل آن گاه که امت بیل به دست علی (ع) دادند و او را به نخلستان ها فرستادند،

آرزوی امروز ما، شباهت بسیاری به آرزوی آن سی مرغی دارد که نمی دانستند سیمرغ خودشان هستند

ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان
فروردین ۱۳۹۲

۵۸